

بررسی و تحلیل نظام اخلاقی دین صابئین مندائی*

azizsawari@gmail.com

safaei_m@scu.ac.ir

hashemi@scu.ac.ir

drabsha@yahoo.com

کلیزه عزیز سواری / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

مسعود صفایی مقدم / استاد، دانشگاه شهید چمران اهواز

سیدجلال هاشمی / استادیار، دانشگاه شهید چمران اهواز

قیس مغشغش السعدی / استاد دانشگاه توپینگن آلمان، مرکز شرق شناسی و مطالعات اسلامی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و تبیین نظام اخلاقی یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی و تنها آیین عرفانی زنده جهان، یعنی دین صابئین مندائی است که با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع مقدس آنان، به ویژه گنزا ربا و تعالیم یحیی^ع انجام گرفته است. این پژوهش پس از معرفی مختصری از تاریخ و عقاید دینی صابئین مندائی، به تحلیل مبانی نظام اخلاقی آنان، در سه حوزه الهیات، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی پرداخته است. برای کشف و تبیین نظام اخلاقی این آیین، دیدگاه الهیاتی، انسان‌شناختی، و معرفت‌شناختی این دین، مبنای بررسی مولفه‌های نظام اخلاقی، یعنی نظریه ارزش، اصول اخلاقی و هدف غایی اخلاق قرار گرفته است. در نهایت، نشان می‌دهد که اصول «خدماتحوری اخلاقی، محبت، مسئولیت اخلاقی و قاعده زرین»، چهار اصل بنیادین نظام اخلاق دین مندائی هستند که در نظام‌های اخلاقی سایر ادیان به روشنی قابل مشاهده‌اند.

کلیدواژه‌ها: صابئین مندائی، نظام اخلاقی، مبانی اخلاق، اصول اخلاقی، گنزا ربا.

رابطه دین و اخلاق، یکی از مسائل مشترک فلسفه اخلاق، فلسفه دین، الهیات، معرفت‌شناسی دین و فلسفه سیاست به‌شمار می‌رود و از جهات متعدد درخور بررسی‌ها و تأملات فیلسوفانه است. ریچرد ماوو (Mouw) می‌گوید: دین و اخلاق هر دو می‌کشند به این سؤال که «انسان‌ها چگونه باید زندگی خود را سامان دهند تا انسانیت آنان شکوفا شود» پاسخ دهند. از آنجاکه بررسی این سؤال، یکی از دل‌مشغولی‌های جدی فیلسوفان است، آنان ناگزیرند در رابطه دین و اخلاق هم فلسفه‌ورزی کنند. به نظر وی، فیلسوفانی که به بررسی رابطه دین و اخلاق تعلق خاطر دارند، به طور خاص به بررسی موضوعات زیر می‌پردازند:

۱. مرجعیت خداوند در زندگی اخلاقی؛
 ۲. نقش دین در پرورش هویت و بلوغ اخلاقی آدمی؛
 ۳. نقش جهان‌بینی دینی در شکل‌گیری تصورات ما از مسائل اخلاقی؛
 ۴. قابلیت نظام‌های اخلاقی دینی در پاسخ‌گویی به مسائل اخلاق عملی (فناپی، ۱۳۸۴، ص ۸).
- در این زمینه در عرصه ادیان و پژوهش‌های ادیانی، مطالعه راجع به اخلاق و اخلاقیات، از اهمیت بسیاری برخوردار است. امروزه بخش وسیعی از مطالعات اخلاقی، بر مطالعه اخلاق در ادیان، اعم از تطبیقی و یا غیرتطبیقی متمرکز است (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).
- این پژوهش، «نظام اخلاقی دین صابئین مندائی» را با توجه به منابع مقدس آنان، شناسایی، تبیین و ارائه می‌کند. دین صابئین مندائی، یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی جهان است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۶۵)، که بازماندگان آن بیش از دو هزار سال با گمنامی و سکوت در خوزستان و جنوب عراق، در کناره‌های رودخانه‌های کارون، کرخه، دجله و فرات، به عنوان یک اقلیت قومی/دینی به حیات خود ادامه می‌دهند. غیر از مردم خوزستان، مردم سایر مناطق ایران، عمدتاً اطلاعی از موجودیت صابئین مندائی ندارند. مردم خوزستان نیز اکثراً اطلاعاتی نادرست و مبهمی از ایشان دارند (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰). از جمعیت مندائیان ایران، آمار رسمی و دقیق در دست نیست، ولی غالباً جمعیت آنان بین ده تا پانزده هزار نفر برآورد می‌شود.

در مطالعات دین‌پژوهان غربی و مستشرقان، از این آیین، به عنوان تنها سنت زنده و خالص گنوستیکی (عرفانی) جهان از دوران گذشته باستان یاد شده که توانسته تا به امروز کتب مقدس، مناسک و زبان دینی خود، یعنی «زبان مندائی» را در دو شکل گفتاری و نوشتاری به طور کامل نگه دارند (هابریل، ۲۰۱۳، ص ۵۸۶). اگرچه پیشینه پژوهش و مطالعات مندائی‌شناسی به بیش از چهار و نیم قرن پیش (یعنی از سال ۱۵۶۰ میلادی) بازمی‌گردد (یامایوشی، ۱۹۶۶، ص ۸۹).

اما با نگاهی اجمالی، بیشتر مطالعات درباره موضوعاتی همچون خاستگاه تاریخی، خط و زبان آنان انجام گرفته شده‌اند با وجود داشتن کتاب‌های متنوع دینی، تعلیمی و تربیتی مانند *گنزا ربا* (Ginza rabba)، *تعالیم حضرت یحیی*

(دراشا اد بهی «Derasha ed Yahya»)، کتاب *روان‌ها* (سیدرا اد نشماتا)، هزار و دوازده سؤال (الف و ترسر شیالا)، کتاب *حساب* (دیوان ابائر) و... پژوهش درباره نظام اخلاقی مندائی تاکنون مغفول باقی مانده است. درحالی که اغلب محققانی که درباره صابئین مندائی پژوهش کرده و یا برخورد مستقیمی با آنان داشته‌اند، به اخلاق «آرام و مسالمت‌آمیز» آنان اشاره نموده‌اند (دراور، ۱۹۶۹؛ بارکلی، ۲۰۰۲؛ فروزنده، ۱۳۷۷؛ عربستانی، ۱۳۸۳). همان‌طور که بانو دیولافو (Diulafua) فرانسوی، در سفرنامه مشهور خود با نام *ایران، کلبه و تئوش* درباره صابئین مندائی می‌گوید: «طایفه صابئین، اخلاق ملایمی دارند و در امانت و صداقت ضرب المثل هستند» (دیولافو، ۱۸۸۷، ص ۵۶۹).

متون مقدس دین صابئین مندائی، نشان می‌دهد که بخش وسیعی از آموزه‌های آنان، سرشار از مسائل و تعالیم اخلاقی است که از جانب پروردگار بلندمرتبه (حیی ربی قدمایی) به سوی پیامبران آنان وحی شده تا امکان خودسازی و رسیدن به کمال را برای انسان‌ها فراهم نماید. علاوه بر آموزه‌های کتب مقدس، ادعیه‌ای که مندائیان به هنگام اجرای مناسک متنوع خود، بر زبان جاری می‌سازند، نیز حاوی پیام‌های اخلاقی است که شایسته تتبع و بررسی هستند. بر این اساس، این پژوهش درصدد است با بهره‌گیری از منابع مقدس، «نظام اخلاقی دین صابئین مندائی» را بررسی نماید.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع نظری بنیادی است. پژوهش بنیادی، برای کسب دانش بیشتر و کشف قوانین کلی حاکم بر پدیده‌ها انجام می‌شود. در عین حال، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های عملی فراهم می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۵۰). روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در روش توصیفی تحلیلی، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب‌ها به دست می‌آید، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسش‌های پژوهشی پاسخ داد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۶). منابع اصلی پژوهش، کتب مقدس و اسناد دست اول صابئین مندائی، همچون گنزا ربا، تعالیم یحیی و... است. این کتب، به زبان مندائی (آرامی شرقی) نگاشته شده‌اند، اما در سال‌های اخیر روحانیون صابئین، اقدام به ترجمه بخش بزرگی از این کتب از زبان مندائی، به زبان عربی و فارسی کرده‌اند.

صابئین مندائی چه کسانی هستند؟

«همانا کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و مسیحیان و صابئین، هر کس از آنان به خدا و جهان آخرت ایمان داشته باشد و عمل شایسته نماید، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد» (بقره: ۶۲).

یکی از سؤالات اجتناب‌ناپذیری که ذهن پژوهشگران حوزه مندائی‌شناسی را از همان دوران نخست تا به امروز، به خود مشغول نموده، این است که «صابئین مندائی چه کسانی هستند؟» (هارت، ۲۰۱۰، ص ۱). اگرچه سابقه تحقیق و پژوهش پیرامون دین صابئین، از زمانی آغاز گردید که نام آنان در سه سوره از قرآن کریم (بقره: ۶۲؛ مائده: ۱۷؛ حج: ۶۹)،

به عنوان یک دین مستقل، در کنار سه دین بزرگ ابراهیمی (اسلام، یهود و نصاری) بیان گردید، اما تاکنون دیدگاه‌ها و نظرات ضد و نقیضی در میان محققان و پژوهشگران، درباره منشأ، هویت و عقاید این دین مطرح و ارائه شده‌اند (دراور، ۲۰۰۶، ص ۵). آنچه پس از یک بررسی اجمالی در این باره به نظر می‌رسد، تشتت آراء و سردرگمی محققان قدیم و جدید است (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). برخی، صابئین را ستاره‌پرست و گروهی آنها را پرستنده ملائکه، جمعی آنها را از یهود، عده‌ای آنها را امت ابراهیم می‌شمارند. بعضی، آنها را اهل کتاب و دارای پیامبر مخصوصی می‌پندارند. گروهی هم معتقدند: آنان همان حرانیانی هستند که از ترس مأمون، خود را صابئین و اهل کتاب معرفی کرده، تا از مرگ نجات یابند (عبدالموله، ۱۳۷۴، ص ۴). اما خود صابئین مندائی ادعا می‌کنند که موحد، معتقد به معاد و عمل صالح و مؤمن به نبوت انبیایی همچون حضرت آدم، نوح، سام بن نوح، حضرت یحیی بن زکریا علیهم‌السلام می‌باشند.

اسناد مکتوب مندائی، محل سکونت اولیه آنان را اطراف رودخانه اردن و فلسطین اعلام کرده‌اند (بارکلی، ۲۰۰۲، ص ۳). بر اساس روایت کتاب *حوران کویتا*، مندائیان بیش از دو هزار سال پیش، پس از وفات آخرین پیامبر و حامی خود، یعنی حضرت یحیی علیهم‌السلام، تحت آزار و اذیت قوم یهود قرار می‌گیرند. سرانجام به رهبری شخصی به نام اردوان، مجبور به ترک وطن می‌شوند. پس از عبور از ارتفاعات میدیای و توقف در حران، کم‌کم به بین‌النهرین و خوزستان وارد می‌شوند (بدوی، ۲۰۰۸، ص ۲). علت سکونت دایمی ایشان در مناطق جدید، وجود ثبات سیاسی و تسامح دینی حکومت‌های آن دوره گزارش شده است. زمان ورود مندائیان به ایران و عراق، بر اساس نظر *ماتسوخ*، در اوایل قرن دوم میلادی بوده است (بارکلی، ۲۰۰۲، ص ۱). در این مدت، صابئین مندائی قومی مغفول و ناشناخته باقی مانده‌اند که با حدت از دیانت و مناسک دینی خود پاسداری کردند (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

از ارکان دینی مندائی، می‌توان به تعמיד در آب جاری (مصبتا)، نماز سه وقت (براخا)، روزه (روزه بزرگ و روزه کوچک)، صدقه به نیازمندان (زدقا) اشاره کرد. کتاب مقدس صابئین مندائی، *گنژو ربا* نام دارد که به معنی گنج بزرگ است. تعالیم این کتاب از سوی خداوند ازلی، به اولین پیامبر آنان یعنی حضرت آدم علیهم‌السلام الهام شده است. به این کتاب، «صحف آدم» نیز گفته می‌شود. کتاب مهم دیگر دینی و تربیتی مندائیان، *دراشا اد یهیا* یا تعالیم یحیی است که در آن آموزه‌های دینی و پندهای اخلاقی آخرین معلم آنها، یعنی حضرت یحیی بن زکریا (یوهانا یهیا) بیان شده‌اند (المدنی، ۲۰۰۹، ص ۳۹۲).

مغشغش السعدی (۲۰۱۵) در کتاب خود با عنوان *طقوس الصابئة المندائین؛ رموز و معانی* - مناسک دین صابئین مندائی؛ نماد و رمزها» - برخی از مهم‌ترین عقاید دینی مندائی را به صورت زیر فهرست‌بندی کرده است:

الف. ایمان به وجود آفریدگار بزرگی به نام «هیی ربی قدمایی» در ورای همه هستی‌ها؛
 ب. اقرار به یکتایی و عدم شرک به خداوند (هیی ربی). خدایی که واحد است و از همه آفریده‌های خود برتر، بی‌نیاز و بر همه آنها سیطره و غلبه دارد (اصل توحید)؛

ج. اعتقاد به وجود جهان‌های مختلف و گسترده همچون عالم انوار (آلما دنهورا)، که جهان برتر، مطلق و کامل است، امشونی کشتا (جهان حقیقت)، اشختنا (جایگاه عالی نور)، مطرائی (جهان برزخ)، تیبیل (زمین مادی) و آلما دهشوخا یا جهان تاریکی (جهنم)؛

د. اعتقاد به وجود فرشتگانی از جنس نور (اُتراها و ملکاها)، که مجری و کارگزار اراده هیبی ربی در عالم هستی‌اند (ایمان به ملائکه). همچنین، اعتقاد به وجود جن و فرشتگان آتش (ملاخی)؛

ه. اعتقاد به نبوت پیامبرانی همچون آدم، شیث بن آدم، نوح، سام بن نوح و حضرت یحیی، که برای هدایت و تربیت مردم از سوی خداوند بزرگ به سوی آنان مبعوث شده‌اند (اصل نبوت)؛

و. اعتقاد به جاودانگی و نامیرا بودن نفس آدمی که در نهایت، پس از مرگ به موطن اصلی خود (کُنا) که در عالم انوار است بازمی‌گردد، (اصل معاد). نفس آدمی پس از بازگشت به موطن اصلی خود، برای دوره‌ای که در عالم زمینی بوده است، مورد محاسبه و مؤاخذه قرار می‌گیرد. این محاسبه از طریق هفت جایگاه به نام «مطرائی»، یا مطهرات یکی پس از دیگری صورت می‌گیرد؛

ز. تأکید بر انجام اعمال صالح، داشتن اخلاق حسنه و نهی از انجام دادن ردائل. عمل صالح به عنوان نجات‌دهنده، تکیه‌گاه، زاد و توشه آدمی پس از مرگ معرفی شده است. از اعمال و ارزش‌های نیکی که در دین مندائی عمل به آنها توصیه فراوان شده، می‌توان به صدقه (زدقا)، روزه (صوما زوطا و ربا)، احترام به پدر، مادر، همسر و معلم (ربی) خودشناسی، کسب علم و معرفت اشاره کرد. همچنین، تعالیم مندائی پیروان خود را از منکراتی همچون، شرک، کفر، زنا، سرقت، دروغ، قتل، شرابخواری به شدت منع کرده است؛
ح. تأکید بر انجام و شرکت در مناسک دینی؛

ط. نداشتن تبلیغ دینی برای جذب افرادی از دیگر ادیان. به عبارت دیگر دین صابئین مندائی، یک دین بسته و غیرتبشیری ست. حتی ازدواج با یک فرد غیرمندائی، برای مندائیان جایز نیست (مشغش السعدی، ۲۰۱۵، ص ۱۴-۲۰).

چارچوب نظری پژوهش

کاوش در هر نظام اخلاقی، نیازمند تحقیق در حوزه مبانی و پیش‌فرض‌ها، مفاهیم و گزاره‌ها، گستره و قلمرو دانش اخلاق است (تجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۵). به عبارت دیگر، هر نظام اخلاقی، بر پایه‌ها و بنیان‌هایی سامان می‌یابند. تفاوت نگرش افراد نسبت به این بنیان‌ها، نظام‌های اخلاقی گوناگونی را به ارمغان می‌آورد و بسیاری از اختلافات اخلاقی را موجب می‌شود. این بنیان‌ها، که به «مبانی اخلاق» معروف‌اند، در مقولات مختلفی همچون الهیات، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، در داخل هر نظام اخلاقی، عناصری همچون نظریه ارزش، اصول مبائی، تبیین عوامل انگیزشی، تبیین ضمانت اجرا و توجیه نظام اخلاقی دیده می‌شود (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸).

همچنین، در توجیه نظام‌های اخلاقی، زبان و منطق آن نظام در اولویت قرار دارد. هریک از نظام‌های اخلاقی، برای اخلاق زبان و منطق خاصی را در نظر می‌گیرند. مکتب‌های مختلف اخلاقی، هریک بیانگر ترجیحات متفاوتی هستند که در این خصوص برگزیده‌اند. بر اساس این ترجیحات، ماهیت اخلاق و فعل اخلاقی، و نیز کارکردهای اخلاق، از یک مکتب به مکتب دیگر متفاوت شده است. در این میان، از صابئین مندائی نیز انتظار می‌رود در حوزه اخلاقیات از منطق و زبان ویژه خود برخوردار باشند. اتفاقاً دیرپایی حیات دینی این گروه، علی‌رغم محرومیت‌ها و محدودیت‌ها و قَلتِ عِدّه و عَدّه، نشانه‌ای است از حضور یک نظام اخلاقی مستحکم در میان آنها، که دارای زبان و منطق خاصی است.

این موارد، چارچوب نظری این مطالعه را تشکیل می‌دهد. از این رو، در این پژوهش ابتدا مبانی اخلاقی دین صابئین مندائی، در سه مقوله «الهیاتی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی» تحلیل می‌شوند. مبانی الهیاتی مندائی، به طور خلاصه به بحث درباره‌ی خداوند و صفات او و نوع ارتباط وی با ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد. در مقوله انسان‌شناسی، درباره‌ی ساحت‌ها، ویژگی‌ها، ابعاد، حدود اختیار، و ارزش‌های وی بحث می‌شود. در مقوله معرفت‌شناسی، بحث از امکان معرفت، ابزار معرفت، حدود شناسایی آدمی در ارتباط با اخلاق پرداخته خواهد شد. پس از تحلیل این مبانی سه‌گانه، مؤلفه‌های نظام اخلاقی در عناصری همچون «نظریه‌ی ارزش، اصول اخلاقی، و هدف غایی اخلاق» بررسی و تحلیل خواهند شد.

۱. مبانی نظام اخلاقی صابئین مندائی

مبانی الهیاتی مندائی

مراجعه‌ی مستقیم به کتب مقدس مندائیان، نظیر گنزا ربا و تعالیم یحیی، بیانگر این موضوع است که پدیدآورنده‌ی جهان هستی، خدای یگانه‌ای است که در تعالیم مندائی به «هیی ربی قدمایی» معروف است. نخستین فرشته‌ای که در جهان نور آفریده شد، به صراحت به وجود این خداوند بزرگ این‌گونه شهادت داد: اکا هیئی، اکا ماری، اکا مندا اد هیئی: هست خداوند، هست پروردگارم، هست علم خداوند

اعتقاد به وجود این پروردگار، اصلی‌ترین عقیده‌ی دینی مندائیان محسوب می‌شود. به طوری که همه ارکان و اصول دیگر دینی مندائی، هویت خود را از این اصل کسب می‌کنند. تمام بوته‌های (آیات)، کتب مقدس و حتی همه ادعیه‌ی مناسک مندائی با عبارت «بشمیهون اد هییی ربی» به معنی «به نام خداوند بزرگ» آغاز می‌شوند. گنزا ربا، صفات کمال بسیار زیادی را به این پروردگار جهانیان منسوب می‌کند. در صفحات آغازین گنزا ربا آمده است:

به نام خداوند بزرگ

پروردگارم را با قلبی پاک ستایش می‌کنم، ای خداوند همه هستی‌ها. ستایش باد نامت، مالک نور، درخشش پاک و نور، عظیمی که نامت هرگز باطل نمی‌شود. ای شفیق و ای تواب و ای مهربان، نجات‌دهنده‌ی همه مؤمنین و برقرارکننده‌ی همه پاکان، متعال و ستایش شده، قدرتمند، دانا و آگاه و بینا، مسلط بر همه چیز هستی. پروردگار

عالم‌های بالایی، میانی و تحتانی، سیمای عظیم و با شکوهی که نه دیده می‌شود و نه قدرتش محدود می‌شود، در حکومتش رفیقی وجود ندارد و شریکی در سلطنتش موجود نیست. مرگ و فساد به او راه نمی‌یابد. از ازل بوده و پدیدآورنده همه چیزهاست (انجم صابئین مندائی ایران، ۱۳۹۵، ش ۱۸۰، ص ۳).

برخی از مهم‌ترین صفات هیبربی، که در کتب مقدس مندائی آمده، بدین قرارند:

الها: الله/ هیبی: زنده / رتا: بزرگ/ ماری: سرور/ قدمایی: ازلی / قیوما: پابرجا/ هاد: یکتا/ ابریخا: مبارک/ ات‌ریص: منزّه/ آسی: شفا‌دهنده/ اشییها: ستایش شده/ شلاما: صلح/ امشیا: ستایش شده/ ایمر: فرمان دهنده/ باسپا: گسترش دهنده/ بان: آفریننده/ برصوفا رتا: سیمای عظیم/ تیا‌با: آموزش دهنده/ دخیا: پاک/ ره‌صانا: امین/ ره‌مانا: بخشنده/ ریوانا: مهربان/ زدیق: صادق/ شلیبا: هدایت کننده/ کسپا: عادل/ ملکا: پادشاه/ مندا: عارف/ هانا‌نا: مهربان/ هیاسا: غفور/ هیلا: قوی/ یادا: عالم و... (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۵۱).

بنابر تعالیم مقدس مندائی، اصل و اساس همه جهان هستی و علت هر وجودی، هیبی ربی قدمایی است که خداوندی یکتا (هادیوتا)، بی نظیر (نخرایی) و غنی (یتیری) می‌باشد. در عین حال، همه موجودات و مخلوقات، هستی و وجود خود را از او به عاریه گرفته‌اند، بنابراین، نسبت به او فقر ذاتی دارند (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵، ص ۹). او منشأ زندگانی و حیات کل نظام هستی است و این حیات را به موجوداتی تفویض کرد.

چنانچه او وجود نداشت هیچ چیز به وجود نمی‌آمد (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۲).

هیبی ربی، از ذات خویش تجلی یافت (انبائی) و این تجلی با اراده و خواست خویش انجام گرفت. هستی نیز با همین اراده هیبی ربی و یا به تعبیر متون مقدس مندائی با «کلمه» (میمرآ)، در مراحل مختلف و طی دوره‌های زمانی گوناگونی پدید آمد (دراور، ۱۹۶۰، ص ۱).

ابتدا فقط خداوند بود و هیچ چیز نبود. خداوند خواست خلقت را آغاز نماید (انجم صابئین مندائی ایران، ۱۳۹۵، ش ۱۸۸، ص ۴). آنچه که مبنای الهیاتی مندائی را به مقوله اخلاق پیوند می‌دهد، این است که تعالیم مقدس، منشأ و خاستگاه همه ارزش‌های نیک و فضایل را «هیبی ربی قدمایی» معرفی کرده‌اند. در دین مندائی، خداوند از حیث وجودی خیر مطلق است (سواری، ۱۳۹۲، ص ۳۳۹). در گنزاربا، اعتقاد به خدای ارزش آفرین، اساس ایمان دانسته شده است: «ایمان حقیقی تو در آن است که اعتقاد داشته باشی که خداوند برپا کننده تمام فضایل و خوبی‌هاست (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۱۷۲). بنابراین، با قبول این اصل می‌توان پایه‌ای برای اخلاق مندائی ایجاد کرد. نه تنها هیبربی، به وسیله فرمان‌های خود بشر را به راه حقیقی زندگی راهنمایی کرده است، بلکه خود را نمونه‌ای می‌سازد تا همه از او پیروی کنند. خداوندی که همه‌اش نور، همه‌اش رحمت، همه‌اش حق و همه‌اش نیکی و زیبایی است» (همان، ص ۱۲).

مبانی انسان‌شناسی مندائی

انسان در دین مندائی، به عنوان برترین مخلوق هیبربی و نماینده او بر روی زمین، موجودی متشکل از دو بعد مادی و غیرمادی است. بعد مادی، همان جسد یا به زبان مندائی «پِغرا» نام دارد که با مرگ نابود شده و به منشأ

خود یعنی خاک بازمی‌گردد. پغرای آدمی توسط فرشتگان ساخته شده و وظیفه‌ای موقتی و کوتاه دارد. بنابراین، نباید به خواسته‌های او دل بست. بعد غیرمادی، شامل «نشماتا» و «روها» است. نشماتا موجودی ذاتاً پاک، گرمی و نفخه‌ای الهی است که از عالم نور توسط ملائکه مقرب در جسد آدمی دمیده شد. نشماتا، شریف‌ترین، پاک‌ترین و حقیقی‌ترین بُعد در انسان‌شناسی مندائی را به خود اختصاص داده است (سواری، صفایی مقدم و هاشمی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). تمام بوته‌های مقدس مندائی، بیانگر کمال و نیکویی اوست؛ ای فرزند آزادگان پاک... (گنزا ربا، ۲۰۰۱، ص ۱۳۱).

بُعد دیگر آدمی، «روها» نام دارد که در حقیقت همان خواسته‌های جسم (پغرا) برای ادامه زندگی دنیوی است که به صورت نیازهای اساسی ظاهر شده است؛ با برآوردن نیازهای خاکی (زمینی) همچون آب، هوا، غذا و غریزه جنسی اشباع می‌گردد. روها برای بر آوردن این نیازها، بدن را به جنب و جوش و تکاپو وادار می‌کند. در این میان، نقش اساسی نشماتا کنترل و خنثا نمودن شهوات و رغبات روها است. در نتیجه، نفس (جزء شریف) با روها (جزء پست یا دانی) مدام در حال «کشمکش» است. ارضا و آرمش نشماتا، از طریق انجام عباداتی همچون تسبیح، دعا، تعمید و صدقه (زدقا) و انجام عمل صالح میسر است (مغشغش السعدی، ۲۰۱۵، ص ۱۵).

یکی از نکات قابل توجه مقوله انسان‌شناسی مندائی، وجود نظیر یا همزاد نورانی (دموثا)، برای هر انسانی در جهان «امشونی کشطا» یا جهان حقیقت است که پس از مرگ، نشماتای انسان پس از طی مراحل به آن می‌پیوندد. کارهای نیک و پسندیده هر فرد در این جهان، به‌ویژه صدقه (زدقا)، اخلاق حسنه، داشتن فرزندان صالح برای برپایی مناسک دینی به نام وی پس از مرگ، از عوامل مؤثر تسهیل حرکت نشماتا و موجب تسریع التحاق وی به نظیرش می‌گردد.

بر این اساس، در آموزه‌های دین مندائی مرگ پایان راه نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید در صیوررت و حرکت آدمی به سوی کمال به‌شمار می‌آید. مرگ، پایان مأموریت نشماتا در زمین و مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر برای ارتقا و حرکت آدمی، به موطن اصلی خویش یعنی جهان نور است. بر این اساس، گنزا ربا از مرگ به حق (کشطا) یاد کرده و بازماندگان متوفی را از گریه و عزاداری بر مردگان نهی می‌نماید؛ زیرا مرگ تولدی دوباره است. بر مردگان خود گریه و زاری نکرده و بر آنها عزاداری نکنید. جامه خود را ندرید و موی خود را نکندید هر کس مردگان خود را دوست دارد، برای آنها طلب آمرزش کرده و به یاد آنان آنان دعا و تسبیح بخواند، با این اعمال که نشماتای آنها مسرور و آرامش پیدا می‌کند (گنزا ربا، ۲۰۰۱، ص ۱۸).

دین مندائی، اعتقادی به گناه نخستین آدمی و خروج وی از بهشت ندارد. جسد آدم، به همراه هوا بر روی زمین (تیبیل) و توسط فرشتگانی همچون ابثاهیل خلق شد. نشماتای آنان از جهان نور در آنان دمیده شد. از انسان، اصالتی نورانی و به سوی نورانی یا به تعبیری «هویتی از اویتی به سوی اویتی» دارد؛ راهم به سوی هیبی ربی است و مقصد و نیتهم، حرکت من بسوی اوست (همان، ص ۱۵).

از مبانی مهم دیگر انسان‌شناسی مندائی، وجود اراده و اختیار در افعال و کنش‌های آدمی است. خداوند به انسان قدرت انتخاب داده که راه حق را در پیش گیرد و به سعادت حقیقی، که همان بازگشت پیروزمندانه به مبدأ یا جهان نور، نائل شود، یا برعکس آدمی می‌تواند با اختیار خویش و دوری از تعالیم مقدس راه کفر و باطل را در پیش گرفته که نتیجه‌ای جز ذلت، خسران و پشیمانی ندارد.

از دیگر مبانی مهم مقوله انسان‌شناسی مندائی مرتبط به اخلاق، «کرامت» آدمی نسبت به سایر موجودات عالم است. مسجود فرشتگان شدن آدمی به هنگام دمیده شدن نشمتای پاک، نماینده جهان نور در زمین بودن آدمی، نزول دین و معارف اخلاقی، آموزش سایر مناسک به آدم و همسرش حوا در هنگام خلقت، تجهیز و مسلح نمودن وی با علم الهی (ناصوراتا)، دلایلی برای کرامت آدمی در دین مندائی محسوب می‌شوند (سواری، ۱۳۹۲، ص ۳۴۳). «ایجاد کنید میوه‌ها و درختان، حیوانات اهلی و حیوانات وحشی، پرندگان بالدار و ماهیان در دریا، برای خدمت دادن به آدم» (انجم صابئین مندائی ایران، ۱۳۹۵، ش ۱۸۳، ص ۴).

با توجه به آنچه گذشت، نشمتا که بعد حقیقی آدمی است و از عالمی دیگر پا به این سرا نهاده، بذر همه فضایل و ارزش‌های جهان نور را با خود به این جهان (تبیل) آورده است. پس ذات آدمی پاک و مفلور به فطرت خداوند است. در نتیجه، ارزش‌ها در وجود آدمی ریشه دار و اصیل و ردائیل عنصری عَرَضی هستند. پس انسان می‌تواند با بهره‌مندی از تربیت مطلوب و با پیروی از آموزه‌های مقدس انبیای الهی، این بذرهای بالقوه و درونی خود را شکوفا ساخته و به کمال و در نهایت، به جهان نور یا سعادت دائمی و ابدی برسد.

مبانی معرفت‌شناسی مندائی

اولین و مهم‌ترین پرسش در حوزه معرفت‌شناسی، تعیین تکلیف توانایی شناخت انسان است. دین مندائی، شناخت را برای آدمی امری امکان‌پذیر و ممکن می‌داند. جهان هستی از وجه نظر این دین، قابل شناسایی است و انسان توانایی شناخت آن را دارد. به همین دلیل، خداوند پس از خلقت جسم انسان و دمیدن نشمتا در آن او را به وسیله فرشتگان مورد تعلیم حکمت و اخلاقیات قرار داد: «به آدم و حوا و نسلش دانش یاد ده تا شیطان آن‌ها را نفرید» (ماهنامه بیت مندا، ش ۱۸۵، ص ۳).

معرفت در دین صابئین مندائی، چنان دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است که خود واژه «مندا» — که کلمه‌ای آرامی شرقی است — به دانش یا معرفت (الزهیری، ۲۰۰۷، ص ۱۴) و حتی عقل (المرائی، ۱۹۸۱، ص ۱۴۷) ترجمه شده است. از این رو، می‌توان دین مندایی را دین معرفت یا دین شناخت دانست و مندائیان را همان پیروان شناخت و معرفت ترجمه کرد (فروزنده، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

بنا به روایت کتب مقدس مندائی، معرفت اولین رسالتی است که خداوند آن را به نخستین انسان، یعنی حضرت آدم ﷺ و همسرش حوا ارزانی نمود «مندا اد هیی هو شلیها قدمایی» (المرائی، ۱۹۸۱، ص ۱۴۷). خداوند باری تعالی، به بشر معرفت را آموخت و حکمت خود را گسترانید تا انسان خدا، خود و جهان را بشناسد. کسب معرفت، یک امر

واجب و وظیفه تلقی شده است. پس کسی که معرفت را فرا نگیرد و به دنبال دانش نرود و یا دیگران را در صورت توانایی، تعلیم ننماید از گناهکاران محسوب می‌شود(همان، ص ۴۷۱).

- خوشا به حال آن کسی که خداوند به او معرفت می‌بخشد و ننگ باد بر جاهلان(المرائی، ۱۹۸۱، ص ۴۴).

- ننگ بر حکیمی باد که به کسی از حکمتش سودی نمی‌رسد(همان).

معرفت و علم نخستین الهی، به آدمی به صورت وحی و الهام بود. با ندای نخستین الهی «هادا شو تا اد هیبی قدمایی» و به صورت کشف و تجلی «گلا و غلا» نازل گشت. این معرفت، به شکل تعلیم و تربیت بر دوش رسولان و پیامبران منتقل گشت. اولین کسی که وظیفه انتقال معرفت به آدمی را داشت، فرشته مقرب الهی «مندا اد هیبی» بود که اولین و قدیمی‌ترین مخلوق خداوند بود «مندا اد هیبی شلیها قدمایی». این فرشته، معرفت را به حضرت آدم، شیث، سام و در نهایت، به حضرت یحیی تعمیدگر (یوهانا مصبانا) انتقال داد. به همین دلیل، آموزه‌های این انبیاء تعلیم دین مندائی را تشکیل می‌دهند(مشغش السعدی، ۲۰۱۵، ص ۲۰).

یکی از نکات کلیدی نظریه معرفت‌شناسی مندائی مرتبط با مقوله اخلاق، این است که دین صابئین مندائی، علت اساسی کفر، شرک و انجام رذایل اخلاقی‌ای همچون دروغ‌گویی، دزدی، زنا، سحر و... را نادانی و جهل دانسته، راه حل و درمان و پیشگیری آن را افزایش علم و معرفت آدمی معرفی می‌کند. هنگامی که نور معرفت بر دل‌های گناهکاران بیفتد، این‌گونه در پیشگاه خداوند اعتراف کرده و دست از جنایات خود برمی‌دارند: «دروغ‌گویان عطرهم را استشمام کردند و گفتند: آقای ما، قبل از روشنی نورت جاهل بودیم و اکنون آگاه شدیم و دیگر دروغ نخواهیم گفت. ساحران عطرهم را استشمام کردند و قلب‌هایشان به لرزه درآمد و طلب بخشش نمودند و گفتند نادان بودیم و اکنون آگاه شدیم و دیگر به سراغ سحر و جادو نخواهیم رفت. بدکاران سخنانم را شنیدند و دل‌هایشان پر از صلح و صفا گشت(گنزا، ربه، ۲۰۰۱، ص ۳۶-۳۵).

در نتیجه، جهل و نادانی مهم‌ترین عامل در گرایش افراد به گناه و همچنین بد اخلاقی‌هاست. پس بهترین وسیله برای جلوگیری از غوطه‌ور شدن افراد در گناه و گرایش به رذایل اخلاقی، افزایش معرفت، آگاهی و غفلت‌زدایی از آنان است.

۲. مؤلفه‌ها و عناصر نظام اخلاقی صابئین مندائی

نظریه ارزش صابئین مندائی

از نخستین وظایفی که بر عهده فلسفه اخلاق است، ارائه طرح کلی نظریه اخلاقی است. هر نظام اخلاقی، با توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های خاص خود، اقدام به ارائه اصول و قواعدی کلی می‌پردازد و در پی این است که معیارهای کلی خوبی و بدی، و درست و نادرست را ارائه کند(موسوی گیلانی و روزبه، ۱۳۹۴، ص ۱۵). مک‌ناوتن(McNaughton) در بیان نظریه ارزش می‌نویسد: «نظریات اخلاقی در پی فراهم آوردن روشی کلی برای حل مسائل اخلاقی خاص هستند. روشی موجه برای تعیین اینکه چه انواعی از افعال درست و چه انواعی

نادرستند» (مک ناون، ۱۹۹۸، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹). نظریه‌های اخلاقی، براساس معیارهایی که برای تصمیم‌گیری در مورد درست یا نادرست بودن رفتار در اختیار ما قرار می‌دهند، به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱. نظریه‌های اخلاقی ناپیامدگرا: بر این اساس، برخی کارها فی‌نفسه نادرست است؛ نه به خاطر پیامدهای بدی که به بار می‌آورند.

۲. نظریه‌های اخلاقی پیامدگرا: به نظریه‌هایی گفته می‌شود که براساس آنها «باید کاری را انجام داد که بیشترین پیامدهای خوب را به بار می‌آورد. خود این مسئله که چه نوع کاری انجام می‌دهیم، فی‌نفسه اهمیتی ندارد» (گنسلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

از گروه نخست، می‌توان به نظریه‌های وظیفه‌گرایانه‌ای همچون نظریه کانت، نظریات امر الهی و از گروه دوم، می‌توان به نظریه‌های غایت‌انگازانه، لذت‌گرایانه، خودگرایی، فایده‌گرایی اشاره کرد که هریک دارای انواع و تقریرهای مختلفی است (فرانکنه، ۱۳۹۲).

بیشتر نظام‌های اخلاقی می‌کوشند تا حدواسطی میان این دو دیدگاه افراطی بیابند. وظیفه‌گرایان می‌پذیرند، این قاعده که باید در مسیر به حداکثر رسانیدن سعادت بشر تلاش کرد، لاقلاً یکی از مهم‌ترین قواعد است و غایت‌گرایان می‌پذیرند که برخی قواعد هست که باید از آنها تبعیت کنیم. حتی زمانی که پیامد تبعیت از آنها در وضعیت مورد بحث، احتمالاً زیان‌آور باشد (اسمیت، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰).

اکنون با توجه به این گروه‌ها، در نظریه ارزش دین صابئین مندائی آنچه بیشتر به چشم می‌خورد، نظریه‌ای مبتنی بر «امر الهی» است که همان‌گونه که گفته شد، خود زیرمجموعه‌ای از نظریات وظیفه‌گرایانه اخلاقی است. نظریه امر الهی، دیدگاهی است مبنی بر اینکه اخلاق، لاقلاً از جهتی، وابسته به اراده خداوند است. در نظریات امر الهی، این وابستگی، بر مبنای اوامری از سوی خداوند که بیانگر اراده اوست، بیان شده است (کوئین، ۲۰۰۵، ص ۳۷۱).

در گنزا ربا هیی ربی، تأسیس‌کننده هنجارهایی برای رفتار بشر، از طریق صدور اوامری از عالم نور، به وسیله وحی (فرشتگان نور و در رأس آنها هییل زیوا) معرفی شده است. مهم‌ترین نمونه این دستورات اخلاقی، در بخش اول کتاب گنزا ربا، بر حضرت آدم و همسرش حوا (آدم و هوا) و نسل‌شان، پس از دمیده شدن روان در جسد آنان تجلی یافت:

... پس به سوی آدم و همسرش حوا روانه شو، و آنان را با صدایی رسا و زیبا بخوان: ... پس بیا خیزید و با نماز، تسبیح گویند خداوند همه هستی‌ها، و این عمل را سه بار در روز و دو بار در شب به جای آورید. برای فرزندان خویش همسر گزینید تا نسل شما در جهان فراوان گردد. آن‌گاه که با همسرانتان نزدیکی کردید، غسل کنید و خویشتان را پاک نمایید. زنا و فساد و دزدی نکرده و فرزندان مردم را مکشید. از عهدی که با خدای خود بسته‌اید، بر نگردید. زشتی و دروغ را میسندید. به طلا و نقره و ثروت دنیایی دل مبنید. از یاد گرفتن سحر پرهیز کرده و به دروغ شهادت ندهید. پدر و مادر و برادران بزرگتر از خود را گرمی دارید. به نابینایان و نیازمندان صدقه دهید؛ زیرا که این عمل در آخرت باعث نجاتتان خواهد شد. اگر به کسی صدقه دادید، بر مالیش نکیند، اگر با دست

راستان صدقه دادید، دست چپ باخبر نشود و اگر با دست چپ صدقه دادید، دست راستان خبردار نشود تا صدقه گیرنده رسوا نشود. هر کس نیکوکاری کرده و از عمل خویش تعریف نماید، در آخرت به حسابش نخواهد آمد (گنزا ربا، ۲۰۰۱، ص ۳۷-۳۶).

گنزا ربا و کتاب تعالیم یحیی، بسیاری از این قواعد و اوامر اخلاقی الهی را بیان و تشریح کرده است.

اصول مبنایی نظام اخلاقی مندائی

مقصود از «اصول مبنایی اخلاق»، یعنی اصولی که مبنای احکام اخلاقی قرار می‌گیرند و احکام اخلاقی بر آنها مبتنی است. وجود اصول بنیادین در هر نظام اخلاقی، دست‌کم دارای دو ثمره اساسی است. اول. با اینکه خود از اصلی دیگر استنتاج نمی‌شوند. اما، مبنای به‌دست آوردن احکام و گزاره‌های اخلاقی دیگری قرار می‌گیرند. دومین ثمره داشتن اصول بنیادین، راه برون‌رفت از تعارضات اخلاقی است (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳). بر اساس نقش زیربنایی اصول، تلاش در جهت کشف و تعیین و تدوین آنها، همواره تلاشی مهم بوده و به علت پایه و اساس بودن آنها برای تلاش و فعالیت‌های بعدی، همیشه و در همه زمینه‌ها مورد توجه واقع می‌شده است (صفایی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۸۲). اصول بنیادین نظام اخلاقی مندائی، عبارتند از: اصل خدامحوری اخلاقی، اصل مسئولیت اخلاقی، قاعده زرین، اصل محبت.

اصل خدامحوری اخلاقی

مهم‌ترین اصل مبنایی نظام اخلاقی دینی صابئین مندائی، اصل خدامحوری می‌باشد؛ زیرا مبدأ و مقصد نهایی و رب حقیقی انسان و همه جهانیان (کلهون آلمی)، خداوند بزرگ یا هیبی ربی است. بر اساس اصل خدامحوری اخلاقی، آدمی باید در همه اعمال و رفتارهای خویش، خداوند را ناظر خویش و محور عمل خود قرار دهد. در گنزا ربا، توصیه شده است که خداوند باید در همه شئون زندگی آدمی حضوری پررنگ داشته باشد:

– در هنگام برخاستن و نشستن، غذا خوردن و نوشیدن، استراحت و خوابیدن و در همه اعمالی که انجام می‌دهید، نام خدا را یاد کنید و ستایش نماید مالک برتر نور، خداوند همه هستی‌ها را (گنزا ربا، ۲۰۰۱، ص ۳).

– و همیشه یاد پروردگارت در ذهن و قلبت، هنگام صحبت کردن و هنگام سکوت، هنگام ایستادن و هنگام نشستن و هنگام رفتن و هنگام آمدن حاضر باشد (دراشا اد بهیی، ۲۰۰۱، ص ۲۱۰).

این اصل، از چند جهت با اخلاق پیوند می‌یابد. از جمله «ارزش بخشیدن به کار اخلاقی»، «تعیین معیار تشخیص فعل اخلاقی»، «نیرودهی و ایجاد امیدواری» و «یجاد انگیزه برای پالایش رذایل و تداوم کسب فضایل» (بجاززادگان، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

یکی از قواعد اخلاقی مربوط به این اصل، خلوص نیت در عمل است. به عبارت دیگر، یک فعل اخلاقی، نه‌تنها باید از لحاظ شکل ظاهری درست انجام گیرد، بلکه باید قصد و روح عمل تنها و تنها برای خدا باشد. در غیر این صورت، عمل فاقد ارزش و اعتبار خواهد بود. نیت در اعمال عبادی، همچون براخا (مغشعش السعدی، ۲۰۱۵) و افعال اخلاقی همچون صدقه (زدقا)، نمود زیادی پیدا می‌کند. اعمالی که فاقد نیت خالص الهی باشند، فاقد ارزش اخلاقی هستند.

اصل مسئولیت اخلاقی

پذیرش مبنای اراده و اختیار آدمی، مستلزم احساس مسئولیت و پاسخگو بودن فرد نسبت به اعمال خویش است. اصل مسئولیت اخلاقی، حاکی از این است که فرد باید نسبت به مقاصدی که در نظر گرفته و اعمالی که برای نیل به آنها انجام می‌دهد، احساس مسئولیت کند:

– هر انسانی از اعمال خود مورد بازخواست قرار می‌گیرد و هیچ انسانی، به جای دیگری در حساب مشارکت نمی‌کند (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۲۰۰).

البته تا پیش از ۱۵ سالگی، مسئولیت فرد (دختر یا پسر) بر عهده پدر و مادر است. در حقیقت این سن، سن استقلال و بر دوش گرفتن مسئولیت در قبال اعمال خویش است تا پیش از آن، والدین مسئول اعمال فرزند خود بودند (سوری، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳).

– و بدانید که پدران تا پانزده سالگی مسئول اعمال فرزندان خویش‌اند، پس کسی که فرزندان خود را موعظه نماید و آنها را بیدار نسازد و نماز اول وقت به آنها نیاموزاند و آنها را به راه حق و ایمان فرا نخواند، تمام گناهی که انجام می‌دهند، پدران مسئول خواهند بود (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۷۷).

اصل مسئولیت، با توجه به حوزه‌های و ابعاد مختلف آن، قواعد اخلاقی زیادی را در رفتار آدمی تبیین می‌کند. مسئولیت اخلاقی فرد در برابر خدا، (همانند انجام اعمال عبادی و شرکت در مناسک دینی، شکرگزاری)، مسئولیت اخلاقی فرد در برابر خویش (اعمالی مانند طهارت، تهذیب و تزکیه نفس، کسب روزی حلال، معرفت نفس)، مسئولیت فرد در برابر جامعه (تعلیم و تعلم، صدقه، همیاری، امر به معروف و نهی از منکر)، مسئولیت فرد در برابر محیط زندگی (حفظ محیط‌زیست، آباد نمودن آن و مخالفت با هر نوع تخریب، بهره‌کشی، آلودگی، از بین بردن منابع یا هرگونه استفاده انحصارگرایانه غیر اخلاقی و غیر متعارف از اکوسیستم‌ها).

با توجه به این اصل، تربیت اخلاقی مندائی، باید بتواند در افراد احساس مسئولیت درباره محیط‌زیست خود، طبیعت و امکانات موجود در آن ایجاد کند. بر اساس آموزه‌های دین مندائی، هدف از خلقت همه موجودات زمین، بهره‌وری و رفاه حال انسان است. رفتار غیر اخلاقی با حیوانات، از بین بردن اکوسیستم‌های طبیعی، کشتن به قصدی غیر از استفاده از گوشت آنها، گناه‌های کبیره محسوب می‌شوند.

– همانند کارگرانی باشید که زمین را آباد کرده و در اطراف جوی‌های آن گیاهان و سبزه می‌کارند (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۲۶).

اصل محبت و همدلی

دین مندائی، بر به‌کارگیری محبت و مهربانی در همه شئون زندگی عنایت و توجه ویژه‌ای دارد. هبی ربی، به‌عنوان اولین معلم و کامل‌ترین اسوه نیک، نسبت به آفریده‌های خود مهربان و لطیف بوده و به آنها محبت و عشق می‌ورزد. «تبیها»، یکی از صفات هبی ربی، که به «مهربان»، «لطیف» و «دوستدار» ترجمه شده است (عبریه و عوده، ۲۰۰۴، ص ۱۸۵).

– خداوندی که لطیف و مهربان است. غضب و کینه‌توزی در او راه نمی‌یابد (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۱۳).

اساسی‌ترین محبت موجود در دین مندائی، پیوند انسان مؤمن با خدای خویش است. در گزارها، محبت بین خدا و مؤمن به زیباترین وجه ترسیم شده است. گویا محبت به خدا، همچون اکسیری است که وقتی بر دل مؤمن مندائی بیفتد، همه هستی با متعلقاتش در برابر چشم او خوار و بی‌ارزش می‌شوند:

– از آن روزی که محبت تو در دلم افتاد، عاشق عدل شدم، و از آن روزی که محبتت در دلم افتاد، شیفته حق شدم، از آن را روزی که تو را شناختم، فهمیدم که دنیا ارزش و اعتباری ندارد و همه خوشی‌های آن پایان پذیرند، برای من از پدر و مادرم عزیزتر شدی، عزیزتر از خواهران و برادرانم و فرزندانم و همسرم، دیگر مال و کاخ‌ها برای من اهمیتی ندارند، دیگر لباس‌های رنگارنگ و عطرهاى خوشبو برای من اهمیتی ندارند، نه مقام و نه پادشاهی، دیگر من خودم را یافته‌ام، مرا با هستی چه؟ (همان، ص ۲۹۹-۳۰۰).

آموزه‌هایی مندائی، از مؤمنان می‌خواهد در روابط اجتماعی خود با محبت برخورد کنند:

– ای مؤمنان و ای پاکان، نسبت به همدیگر محبت ورزید (همان، ص ۱۷).

همچنین، سفارش شده است که ارتباط بین زوجین، بر اساس احترام متقابل، همدلی و محبت باشد و زن و مرد پشتیبان همدیگر باشند:

– اگر برای خود همسری برمی‌گزینید، پس از بین خود انتخاب کرده و آنها را دوست داشته باشید. نسبت به هم پشتیبان باشید و همچون توجه چشمان به گام‌ها، از همدیگر مواظبت نمایید (همان، ص ۱۹).

همدلی و محبت به فقرا و ستم‌دیدگان جامعه، یک فریضه واجب الهی است که با اعمالی همچون صدقه (زدقا) نمود پیدا می‌کند. دین مندائی، چنان بر صدقه دادن تأکید نموده که روحانیون مندائی از آن به عنوان یک رکن دینی از آن یاد می‌برند:

– صدقه واقعی این است که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کنی. محبت حقیقی این است که به فقیران و ستم‌دیدگان محبت کنی (همان، ص ۱۷۶-۱۷۵).

گستره محبت به روابط انسانی محدود نشده، بلکه توصیه شده است یک فرد مندائی، باید تمام آفریده‌های خدا را دوست داشته باشد:

– اساس عبادت تو در این است که به آفریده‌های خدا محبت کنی (المرانی، ۱۹۸۱، ص ۱۴۶).

قاعده زرین

قاعده زرین، مقتضی این است که ما با دیگران فقط آن‌گونه رفتار کنیم که در همان موقعیت رضایت می‌دهیم با ما رفتار شود، این قاعده در همه ادیان الهی آمده و چه بسا مهم‌ترین قاعده زندگی است. قاعده زرین را بسیاری از امت‌های مختلف، لاقدر در گفتار در حد وسیع پذیرفته‌اند. این اصل، یک مبنای برای آموزش و پرورش اخلاقی است. می‌توان آن را در مرکز قانون‌نامه‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی بی‌شماری یافت (سینگر، ۱۹۶۷، ص ۲۲۵). این قاعده در گزارها دقیقاً ذکر شده است.

– ای مؤمنان: هر آنچه را که برای خود می‌پسندید، برای دوستان خود بپسندید و هر آنچه را که برای خود نمی‌پسندید، برای آنان نیز نپسندید (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۲۰).

قاعده زرین، تقریباً اصلی جهانی است؛ یعنی هنجارهای مشترک میان همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌ها. این قاعده، به خوبی خلاصه اخلاقیات است. اصول عزت نفس، آینده‌نگری و ضابطه قانون جهانی، (که می‌گوید: «فقط آن‌طور رفتار کن که از هر کسی در همان موقعیت می‌خواهی – دفاغ از تفاوت‌های فرضی در زمان و شخص، ارتباط وثیقی با قاعده زرین دارد. می‌توان قاعده زرین را بر مبنای تقریباً همه رویکردهای اخلاقی استوار کرد. مثلاً، می‌توان قاعده زرین را بر مبنای قرار دادهای اجتماعی، احساسات شخصی، سود شخصی، خواست خدا و یا حقایق بدیهی بنا کنیم (گنسر، ۱۹۹۸، ص ۲۱۸).

هدف نهایی اخلاق از دیدگاه دین مندائی

بر اساس آنچه در بررسی مبانی اخلاق مندایی مطرح شد، خداوند (هیی ربی قدمایی)، نه تنها آغاز و منتهای جهان هستی است، بلکه مبدأ خیر، رحمت، و منشأ همه کمالات است. میل و تقرب به این منشأ، کمال و اقیانوس جمال، ارزشمند و خود موجب ایجاد سعادت واقعی می‌گردد. بدین ترتیب، هدف غایی اخلاق مندائی را می‌توان «استعلا و به کمال رسانیدن نفس آدمی جهت بازگشت به مبدأ خود یعنی جهان نور» دانست. بوته‌های زیادی از کتب مقدس، این هدف غایی را مورد توجه کانونی خود قرار داده‌اند:

– نیکوکاران عادل، مؤمن و کامل به سوی جهان نور صعود خواهند نمود (گنزاربا، ۲۰۰۱، ص ۷۰).

کمال و اوج این حرکت، هنگامی است که انسان به یقین و علم و معرفت حقیقی نائل آید و با آرامش نفس و در عالمی سرشار از نور، پاکی و در نهایت، اطمینان قلبی به جوار حضرت حق راه یابد و در زمره فرشتگان جهان نور و بندگان کامل خدا در آید:

– من به آنجا (جهان نور) خواهم رفت با قلبی مطمئن؛ زیرا که پروردگارم مرا طلب نموده و مرا در زمره بندگان کامل خود در آورد (همان، ص ۹۷).

انجام برخی کردارهای غیراخلاقی و ناپسند، همچون تفکرات سوء، فسق و فساد، تجسس، زنا، سرقت، ریاکاری، دروغ‌گویی، تفرقه انداختن، ربا و... موانع رسیدن آدمی به جهان نورند. به همین دلیل، حضرت یحیی علیه السلام، اسوه اخلاق مندائی، در توصیه‌های خود به مؤمنان، آنان را این‌گونه از انجام منکرات برحذر می‌کند:

فرزندانم بر حذر باشید و بترسید از اینکه در این دنیا فسق و سرقت نمایید؛ زیرا فاسق و سارق به سوی کمال عروج نمی‌کنند و به جهان نور نمی‌رسند. فرزندانم بر حذر باشید و اگر برای شهادت دادن احضار می‌شوید، شهادت دروغ نگویید کسی که شهادت دروغ بدهد در نزد خداوند محکوم می‌شود. خداوندی که هر کس را بر اساس اعمال خویش محاکمه می‌کند. فرزندانم بر حذر باشید و از هر عملی که باعث ایجاد تفرقه و دشمنی بر علیه دوستانتان می‌شود، اجتناب کنید (دراشا اد بهی، ۲۰۰۱، ص ۱۴۵).

نتیجه‌گیری

بررسی اخلاق در ادیان، از جمله موضوعاتی است که ما را در شناخت مشترکات فرهنگی ادیان بسیار یاری می‌کند. در این میان، دین صابئین مندائی به عنوان یکی از کهن‌ترین ادیان توحیدی، دارای اهمیت و جایگاه ممتازی است. تحقیق و تفحص در مورد نظام اخلاقی دین صابئین مندائی، به‌ویژه با مراجعه به اسناد قدیمی آنان، تنها بیانگر نظام اخلاقی یک دین کوچک باستانی در حال انقراض نیست، بلکه همان‌طور که هابریل می‌گوید «اینان نمونه‌ای از فرهنگ زنده امت‌های گذشته‌اند» و لیدی دراور در کتاب معروف خود با عنوان *صابئین مندائی در ایران و عراق*، می‌نویسد: «اینجا زمان متوقف شده است». بنابراین، نظام اخلاقی مندائی، نمونه‌ی دقیقی از نظام‌های اخلاق ملت‌ها در حداقل دو هزار سال پیش می‌باشد. مطالعه اخلاق در دین مندائی، با توجه به داشتن منابع دینی مکتوب قدیمی و بکر، می‌تواند ما را در فهم اخلاق جوامع گذشته دوران باستان یاری نماید و مهر تأییدی در نظریه «فطری بودن برخی از ارزش‌های اخلاقی در نهاد آدمی» باشد. انسان‌ها صرف‌نظر از زمان و مکان، دارای برخی ارزش‌های ثابت و مطلق‌اند.

از سوی دیگر، نظام اخلاقی دین صابئین مندائی، با سایر تعالیم ادیان الهی همپوشانی زیادی دارد. اصول «خدای‌محوری اخلاقی، محبت، مسئولیت اخلاقی و قاعده زرین»، چهار اصل بنیادین نظام اخلاق دین مندائی‌اند که در نظام‌های اخلاقی سایر ادیان به روشنی قابل مشاهده‌اند.

منابع

- اسمیت، پاتریک، ۱۹۶۷، «دین و اخلاق ۲»، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاء الله رحمتی، ۱۳۹۲، تهران، سوفیا، ۳۷۰-۳۳۹.
- انجم صابئین مندائی ایران، ۱۳۹۵، ماهنامه *بیت مند*، ش ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۸، www.beitmanda.com.
- بدوی، نعیم، ۲۰۰۸، *حوان کویتا*، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المنڊائیه.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸، *تحقیق فی حکم الصابئنه تحقیق فی حکم الصابئنه، فتاوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر موحد بودن صابئین مندائی*، ترجمه سلیم جیزان، اهواز، تراوا.
- حسینی قلعه بهمن، سید اکبر، ۱۳۹۴، «تحلیلی بر ساختار نظام اخلاقی در ادیان»، *معرفت ادیان*، ش ۲۵، ص ۱۳۰-۱۱۳.
- دراشا اد بهیا: *موعظ و تعالیم یحیی بن زکریا علیه السلام*، ۲۰۰۱، ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المنڊائیه (M.R.S.C).
- دراور، لیدی، ۲۰۰۶، *الصابئنه المنڊائیون فی العراق و ایران*، ترجمه غضبان رومی و نعیم بدوی، دمشق، دار المدى و الثقافة و النشر.
- دلاور، علی، ۱۳۸۴، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد
- دیولافوا، مادام ژان، ۱۸۸۷، *ایران، کلدیه، شوئس*، ترجمه علی محمد فروشی، تهران، دانشگاه تهران.
- الزهیری، عصام خلف، ۲۰۰۷، *الدين الأول؛ مدخل الى الدين المنڊائی، الجزء الأول؛ الطفل، المراه، التعمید و الزواج*، هلند، موسوعة لعیون المعرفیه.
- سرمد، زهره؛ بازگان، علی و حجازی، الهه، ۱۳۷۶، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- سواری، عزیز، ۱۳۹۲، *بررسی مبانی فلسفی دین صابئین مندائی و استخراج آموزه‌های تربیتی از آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سواری، عزیز، مسعود صفایی مقدم، سیدجلال هاشمی، ۱۳۹۴، «بررسی تحلیلی مقوله انسان‌شناسی فلسفی دین صابئین مندائی»، *انسان‌پژوهی دینی*، سال دوازدهم، ش ۳۴، ص ۱۸۸-۱۶۷.
- سینگر، مارکوس، ۱۹۶۷، «قاعده زرین»، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا، ص ۲۲۸-۲۲۵.
- صفایی مقدم، مسعود، ۱۳۸۶، *مبانی تربیت از نگاه امام سجاد*، اهواز، رشن.
- عباسی، حسین، ۱۳۹۰، «جستاری پیرامون صابئین مندائی» *کتاب ماه دین*، ش ۱۶۳، ص ۳۰-۱۱.
- عبد ربه، خلف و عوده، خالد، ۲۰۰۴، *قاموس مندائی - عربی*، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المنڊائیه.
- عبدالموله، عبدالحسین، ۱۳۷۴، *تحقیقی پیرامون منشأ و خاستگاه و عقاید صابئین و خدمات آنها به اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- عربستانی، مهرداد، ۱۳۸۳، *تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران*، چاپ دوم، تهران، افکار.
- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۹۲، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
- فروزنده، مسعود، ۱۳۷۷، *تحقیقی در دین صابئین مندائی؛ با تکیه بر متون مندائی*، تهران، سماط.
- فناهی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، *دین در ترازوی اخلاق*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط
- کوئین، فیلیپ، ۲۰۰۵، «دین و اخلاق ۱»، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، ۱۳۹۲، تهران، سوفیا، ۳۴۸-۳۳۳.
- گنزا ربا، *کتاب مقدس صابئین مندائی*، ۲۰۰۱، ترجمه جمعی از روحانیون و دانشمندان صابئین مندائی، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المنڊائیه (M.R.S.C)
- گنسلر، هری جی، ۱۹۹۸، *فلسفه اخلاق*، ترجمه حمیده بحرینی، تهران، آسمان خیال.
- المدنی، محمد نمر، ۲۰۰۹، *الصابئنه المنڊائیون العقیدة و التاريخ*، دمشق، دار و مؤسسه رسلان.

مرانی، ناجیه، ۱۹۸۱، *مفاهیم صابئییه مندائییه؛ تاریخ، دین، لغه*، بغداد، شرکه التایمس.

مغشش السعدی، قیس، ۲۰۱۵، *طقوس الصابئه المندائیین؛ رموز و معانی*، آلمان، دریشا.

مک ناوتن، دیوید، ۱۳۸۳، *نگاه اخلاقی: درآمدی به فلسفه اخلاق*، ترجمه حسن میاننداری، تهران، سمت.

موسوی گیلانی، سیدجعفر و روزبه، محمد رسول، ۱۳۹۴، «ساختار کلی نظام اخلاقی اسلام»، *معرفت*، ش ۲۱۰، ص ۱۳-۳۰.

نجاززادگان، فتح الله، ۱۳۸۸، *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*، تهران، معارف.

Buckley, J, 2002, *The Mandaean: Ancient Texts and Modern People*, Oxford University Press.

Drower, E. S, 1960, *The secret Adam*, London, Oxford University Press.

Hart, Jennifer, 2010, *The mandaeen, a people of the book*, PhD theses, Department of Religious Studies, Indiana University.

Haberl, Charles G, 2013, «Dissimulation or Assimilation? The Case of the Mandaeans», *Brill Publishers*, numen (60), 586-615

Haberl, Charles G, 2010, «The cultural survival of mandaeans», *ARAM*, V 22, p. 209-226.

Yamauchi, Edwin M, 1966, «The Present Status of Mandaean Studies», *Journal of Near Eastern Studies*, V. 25, No, 2, p. 88-96.